



## نوشتن صریح و روشن "راهی برای فهم مضامین سخت فلسفی است"

عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در یادداشتی کوتاه کوشیده است به صورت گذرا به برخی نکات درباره نظام آموزشی در ایران به‌ویژه در حوزه فلسفه بپردازد که متن این یادداشت در زیر می‌آید...

دکتر امیر احسان کرباسی‌زاده، عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در یادداشتی کوتاه کوشیده است به صورت گذرا به برخی نکات درباره نظام آموزشی در ایران به‌ویژه در حوزه فلسفه بپردازد که متن این یادداشت در زیر می‌آید.

نظام آموزشی ما در ایران، نظامی است بیمارگونه که جلوه آن در آموزش فلسفه کاملاً هویدا است. در دوران کارشناسی، چه در رشته فلسفه غرب و چه در رشته فلسفه اسلامی، دانشجویان فقط با تعدادی اسامی، عنوان و اصطلاح آشنا می‌شوند. این در حالی است که هیچ متن اصلی فلسفی در این دوره خوانده نمی‌شود و منابع درسی اغلب منابع دست دوم و دست سومند.

آنچه تشویق می‌شود جزو برداری و ضبط صدای استاد است، یعنی بازگشت به همان سنت شفاهی که بازگشتی بسیار نادرست و صوری است. در دوران قدیم و در میان طلاب حوزه‌های علمیه، خواندن متون و نیز مباحثه درباره آنها، سبب می‌شد که طلاب بتوانند فهم خویش را بیازمایند و آن را در مواجهه با فهم دیگران و استاد، تعدیل و تصحیح کنند، اما امروزه این سنت بر خلاف آنچه در دانشگاه‌های غربی به‌شدت بر آن تأکید می‌شود، در دانشگاه‌های ایران فراموش شده است.

احتمالاً بعید است هم‌اکنون استادی باشد که در دوره کارشناسی، بخشی از شفا، منظومه یا اسفار را همراه با دانشجویان خود بخواند. البته وضعیت تدریس فلسفه غرب نیز چندان تفاوتی ندارد و باز کمتر دانشجویی است که در این دوره متون اصلی ارسطو، دکارت، هیوم یا کانت را خوانده باشد.

مواجهه با آثار اصلی حداقل دو فایده دارد: نخست اینکه ترس از خواندن و رو به رو شدن با آثار بزرگان را از بین می‌برد. فایده دوم آن تمرین تأمل و اندیشیدن در باب مسائلی است که این بزرگان درباره آنها اندیشیده‌اند.

پاره‌ای از مشکلات اما به استادان این رشته باز می‌گردد. پس از سالها تدریس فلسفه در ایران، هنوز کتابهای درسی زیادی که گزینش مناسبی از متون فلسفی باشند یا تقریری استدلالی از آثار گذشتگان سنت اسلامی را در بر بگیرند وجود ندارد. مواردی همچون استاد رسول عبودیت که همت گماشت و دو متن قابل تدریس و آسان را برای فهم فلسفه اسلامی نوشت نادر است.

این کوتاهی استادان در زمینه فلسفه غرب نیز قابل مشاهده است. چرا که هنوز ترجمه کامل و قابل فهمی از آثار مهم فیلسوفان یا تقریر روشن آنها در دسترس دانشجویان و علاقه‌مندان نیست، وظیفه‌ای مهم برای استادان فلسفه که متأسفانه از آن غفلت شده است. نکته مهم دیگری که در آموزش فلسفه مورد غفلت واقع می‌شود، آموزش نوشتن فلسفی است. نوشتن درباره یک مطلب فلسفی خود می‌تواند آزمونی باشد برای این مسئله که آیا آن مطلب به خوبی فهم شده است یا نه.

بنابراین اینکه در یک متن فلسفی چه مطلبی را باید نوشت، چگونه باید آن را بیان کرد و چه چیزی را نباید نوشت خود نیازمند تمرین بسیار است. هر چند علاوه بر این نکات، ساده‌نویسی نیز فضیلتی است که اغلب مورد غفلت واقع می‌شود.

در کنار این مسایل، توجه به سهم استادان فلسفه در ایجاد یا افزایش این مشکلات در رابطه با وضعیت نوشتن فلسفی نیز مهم است. به عنوان مثال اغلب مقالات و نوشته‌هایی که در حوزه فلسفه در ایران چاپ می‌شوند معمولاً ناروشن، مبهم و آکنده از اسامی و نامهایی هستند که صرفاً برای جذب مخاطب نوشته می‌شود.

خبرگزاری مهر